

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

کارل مارکس
فرستنده: س. رها
۲۸ دسمبر ۲۰۱۳

نقد فلسفه حق هگل

۱

یاد داشت کوتاه از س. رها

«نقد فلسفه حق هگل- مقدمه» که در اوایل سال های فعالیت «کارل مارکس» به تحریر در آمده، یکی از بهترین و اساسی ترین آثاری است که شخص کارل مارکس با نبوغ خاص ودقت وتحقیقات علمی و عملی بیش از حدش در این اثر کوتاه ومختصر- ولی عمیق وبنیادی- به نقد و بی پایه ساختن ماهیت مذهب پرداخته و پرده از روی نابرابری های مذهبی، به خصوص مذهب در فلسفه هگل، برداشته وخواننده را در این چند صفحه، با عمق فجایع آشنا می سازد. از آن جایی که در وطن تحت اشغال ما، مذهب از دیر زمان تا امروز وتا مدت های دیگر، بیشترین کمک را به استعمار واستبداد امپریالیستی، ارتجاع مذهبی وغیر مذهبی کرده و می کند، خواندن این اثر به مثابه چراغ رهنمای مردم در وار هیدن از ورطه تبه کن مذهب واسلام سیاسی خصوصاً، نقش اساسی ایفاء کرده می تواند.

نگارنده این سطور زمانی که به عمق کارائی این اثر در انجام رسالت مهمی که هدف تحریرش گردیده است، دیدم، بر آن شدم تا این اثرگران سنگ و پرمغز را سلسله وار به آدرس پورتال آزادگان «افغانستان آزاد-آزاد افغانستان» ارسال داشته واز مسؤولیت های خطیر وپرارزشی که بردوش خود احساس می کنم، اندکی کاهش داده ومن حیث یک مارکسیست- لنینیست پیرو اندیشه فنا ناپذیر صدر مائوتسه دون، در گسترش هرچه بیشتری جهان بینی این مکتب پرربار، رسالت خود را انجام داده باشم. از دو سه ترجمه ای که از این اثر در پیشم موجود بود، ترجمه ای که بیشتر از دیگران قابل اعتماد واعتبار می نمود، برای تکثیر این سلسله، آن را انتخاب نمودم؛ آرزو دارم تا در هر قسمتی که اشتباهی از جانب این قلم در تایپ این اثر صورت بگیرد، خوانندگان محقق وآگاه آن را برمن نبخشیده ومرا برآن آگاه سازند تا در جبران آن تلاش ورزم.

در این نوشته، هر جا که تأکید ویا افزوده ای از جانب این قلم -س. رها- بود، با (-س. رها) مشخص خواهند شد، در غیر آن، تأکید ها همه از مترجم وناشر این اثر است. اما در برخی قسمت ها به دلیل بعضی اغلاط املائی که در متن موجود اند، من آن هارا تصحیح خواهم کرد که نیازی به یاد داشت شان نمی بینیم. مثلاً ناشر در قسمتی از افزوده خود، «پایه ای» نوشته است که اصولاً باید به جای آن، «پایه ئی» می آمد ومن به این کار مبادرت ورزیدم. یا مثلاً در بعضی قسمت های دیگر، «رهایی» را با «رهائی»، «مسئله» را با «مسأله»، «حتی» را با «حتا» که شکل درست تر آن هاستند، جا به جا کرده ام و...

اطلاع به خوانندگان

ضرورت عاجل مبارزه با کمونیزم و سوسیالیزم تخیلی، سوسیالیزم خورده بورژوائی و سوسیالیزم بورژوائی که سوسیالیزم و کمونیزم (علمی) را قسماً در «برابری»، «اقتصادی» و یا «عدالت اجتماعی» فرموله کرده اند و تحت عنوان سوسیالیست و کمونیست وحتاً مارکسیست این خواست های ایدئالستی را ضمن به انحراف کشاندن توده مردم علی العموم وبه طور مشخص طبقه کارگر، چه از نظر فکری وچه از نظر مبارزاتی، تبلیغ می کنند، مرا به تکرار از جمله این اثر که قسماً نقدی است بر این خواست ها و نظراتی که در خدمت بورژوازیست، واداشت.

گو این که ابعاد مسأله بسی فراتر از دوران اخیر مبارزه طبقاتی در ایران است و بعد جهانی دارد. یک بررسی تاریخی نشان خواهد داد که مبلغین سوسیالیزم و کمونیزم تخیلی، سوسیالیزم خورده بورژوائی و بورژوائی (در اشکال مختلف آن)، چه صدمات عظیمی به جنبش جهانی طبقه کارگر و امر رهائی بشریت از ستم و تخاصم طبقاتی وارد کرده اند.

صرف شور انقلابی کارگران وتوده های زحمت کش، در غیاب آگاهی از تئوری سوسیالیزم و کمونیزم علمی وتسلط آن بر جنبش کارگری وتوده های زحمت کش، به رهائی از استثمار طبقاتی منجر نمی شود.

یکسان و برابر دانستن شور انقلابی با آگاهی کمونیستی- ودر نتیجه کوتاهی در آموختن تئوری سوسیالیزم و کمونیزم علمی وحرکت از آن-یکی از نقطه های ضعف جنبش کارگری، مردمی وانقلابی است. سوسیالیزم و کمونیزم از آن موقعی که به علم تبدیل شد، مانده هر علم دیگر طلب می کند که با آن، به مثابه علم رفتار شود؛ یعنی آموخته شود.

در واقع، بیش از صد و پنجاه سال پیش، عدم درک تاریخی-اقتصادی سوسیالیست ها و کمونیست های تخیلی، سوسیالیست های خورده بورژوائی، «حقیقی» و بورژوائی، علت تبلیغ کردن چنین خواست ها ونظرات ایدئالستی از طرف آنان بود؛ ولی پس از آن زمان، علت، عدم درک تاریخی-اقتصادی آنها نیست که چنین خواست ها ونظرات ایدئالستی که در خدمت بورژوازیست، آنها تحت عنوان مارکسیست (= پیرو علم شرایط رهائی پرولتاریا وتئوری سوسیالیزم و کمونیزم علمی) تبلیغ می کنند، ویا به خود مارکس نسبت می دهند، بلکه علمی است آگاهانه.

در این شرایط، به وجود آوردن امکان دیگری جهت رجوع مستقیم مردم ایران به اسناد پایه ئی تئوری سوسیالیزم و کمونیزم علمی، اهمیت ویژه ای یافت. اهمیتی که توسط دیگرانی که به نوبه خود وبه هر طریق، در این راه مرا یاری کرده اند درک شده است وبدینوسیله از همگی شان تشکر می کنم.

شتابزدگی در تایپ تکثیر اول این اثر منجر به لغزش های املائی و لغزش های جزئی دیگری شد ودر تاریخ ۲۰۰۰/۰۳/۳۱ از طریق اینترنت پخش گردید. بافرستی که در این فاصله یافتم، مجدداً به کتاب ترجمه فارسی رجوع نموده ولغزش های موجود در تکثیر اول را تصحیح کردم.

باتقدیم احترامات

حجت برزگر

۲۰۰۱/۰۸/۰۴

سخنان مترجم فارسی، رضا سلحشور

«نقد فلسفه حق هگل- مقدمه» نوشته کوتاهی است که مارکس در اواخر سال ۱۸۴۳ و اپریل سال ۱۸۴۴ به عنوان مقدمه ای برای نقدش به کتاب «فلسفه حق» هگل نگاشته ودر سال ۱۸۴۴ در سالنامه المانی- فرانسوی منتشر کرده است. خود آن نکته^۱ دیگری که باید تأکید کنم این است که، وقتی نقد^۲، که در برگیرنده بررسی انتقادی پاراگراف های

^۱ در متن اصلی، در این قسمت به جای کلمه «نکته»، «ن» آمده است، اما بنابر بی ربط بودن حرف ن در این جا وخوانائی معنای «نکته» به جای آن، این قلم «ن» را با «نکته» تعویض کردم. امید وارم با این کار خود دخل و غرضی را سبب نشده وجانب اصل امانت داری را نگهداشته باشم.- س.رها

۲۶۱ تا ۲۱۳ کتاب هگل است و در تابستان سال ۱۸۴۳ نوشته شده، نخستین بار تحت عنوان «نقد دکترین دولت هگل» در سال ۱۹۲۷ انتشار یافت.

بررسی جایگاه آن نقد و این مقدمه کوتاه و اهمیت بنیادی و گرایش های تئوریک آنها و ارزیابی جایگاه شان در اندیشه مارکس، چه به لحاظ شناخت شناسی و چه از دیدگاه تئوریک-سیاسی محتاج نوشته ای مفصل است که مسلماً از این مقدمه طولانی تر خواهد شد. کاری که در این فرصت نه مجالش هست و نه مناسبتش.

پس در این یاد داشت بهتر است تنها به اشاره ای به ترجمه فارسی آن بسنده کنیم.

از این مقدمه، یک ترجمه کامل را «انتشارات مزدک» منتشر کرده است. این متن متأسفانه از چنان بی دقتی ها، نارسائی ها و لغزش های تئوریکی برخوردار است که آن را غیر قابل اعتماد می کند. گویا ترجمه کامل دیگری نیز حدود بیست سال پیش، از این متن صورت گرفته که در نشریه «جهان نو» در ایران منتشر شده است. متأسفانه این متن در دسترس نبود. همچنان «سازمان وحدت کمونیستی»، ترجمه ای از چند صفحه نخست این مقدمه را در نشریه «اندیشه رهائی» شماره ۷ منتشر کرده است. ترجمه «اندیشه رهائی» اولاً ناقص است و ثانیاً حتا در همین یکی دو صفحه از لغزش های کلامی و تئوریک برکنار نیست؛ اگر چه انصافاً زبان شیوا و روان دارد.

ترجمه حاضر- به دور از فروتنی های رایجی که بیشتر نشانه ادعا هستند- نمی تواند از کمی و کاستی بری باشد؛ اما احتمال لغزش های تئوریک نیز در آن اندک است. ترجمه با اتکاء به متن المانی منتشر شده در جلد نخست آثار مارکس و انگلس (1961/MEW و 1982/MEGA) صورت گرفته و با ترجمه انگلیسی آن در مجموعه آثار و ترجمه انگلیسی دیگری که انتشارات پنگوئن در سال ۱۹۷۷ تحت نام «نوشته های آغازین» (Early Writings) منتشر کرده، مقایسه شده است. هم چنان برای ارائه معادل برخی واژه های کلیدی به فرانسه و مقایسه برخی عبارات مبهم از ترجمه فرانسوی این متن که از انتشارات حزب کمونیست است، نیز استفاده شده است. مقایسه ترجمه فارسی با متن های انگلیسی و فرانسوی، برخی ناهمانندیهای ترجمه فارسی با ترجمه های انگلیسی و فرانسه و ترجمه های مذکور با یک دیگر را نیز نشان می دهد. در پانویس هر صفحه سعی شده است، معادل واژه ها نخست به المانی سپس به انگلیسی و در آخر به فرانسه داده شود و برخی تعابیر بایک دیگر مقایسه گردد. هرگاه در هر دو متن انگلیسی واژه یا اصطلاح واحدی به کار رفته باشد، فقط همان واژه یا اصطلاح ذکر شده در غیر این صورت، ترجمه مجموعه آثار با (آ) و ترجمه پنگوئن با (پ) مشخص شده اند. از آن جا که متن اصلی پانویسی ندارد، همه پانویس ها از مترجم فارسی است، مگر در مواردی که از ترجمه فرانسه استفاده شده، که آن هم با (ف) مشخص شده است. همچنین، همه مطالب داخل کروشه {}^۳ در ترجمه فارسی افزوده شده است.

رضا سلحشور

ماربورگ. ژانویه/ ۱۹۸۹

ادامه دارد...

^۲در متن اصلی در این قسمت نیز، به جای کلمه «نقد»، «قد» آمده است که این قلم بنابر بی ارتباط بودن کلمه «قد» در جمله، آن حق را به خود دادم تا در جای آن کلمه «نقد» را بنویسم. س.رها

^۳در ترجمه، شکل این گیوه قسمی دیگری است، اما از آن جایی که کیبورت کمپیوتر این قلم با چنین فونت و نوعیتی مجهز نیست، شکل گیومه را با شکل بالا-{}- تبدیل کردم. س.رها